



سوداگران دود به فضای خانه‌ها هم رحم نمی‌کنند

# عرضه قلیان، این بار زیرزمینی!

■ مهدی ارجمند\*

پیداکردنشان خیلی سخت نیست هر چند ورود به آن‌ها سخت به نظر می‌رسد، یکی دویار که از آن کوچه عبور کنی و کمی هم حس کنجکاوی چاشنی کار باشد خیلی زود پیدایش می‌کنی. کافه‌های زیرزمینی را می‌گوییم. پدیده ناهنجار اجتماعی که چند وقتی است سر و کله‌شان در فضای جامعه

■ کافه‌های زیرزمینی چیست؟

کافه‌های زیرزمینی یا همان کافه‌های خانگی، مکان‌هایی هستند که در آن همه روزه تعدادی از نوجوانان و جوانان اعم از دختر و پسر دور هم جمع می‌شوند و به قول خودشان چند دقیقه‌ای را خوش می‌گذرانند بدون اینکه نه امکان مزاحم آنها بشود و نه اتحادیه و نه هیچ مکان دیگری. قلیان هم هر مدلش را بخواهند موجود است هر قلیانی با هر طعمی، قیمتش هم با کافه‌های بیرون خیلی تفاوتی ندارد تازه اینجا بیشتر مشتری‌ها باهم آشنايند.

توی خیلی از این کافه‌های زیرزمینی اصلاً مشتری غریبه را نمی‌پذیرند برای همین مشتری‌هایی که به این نوع کافه‌ها می‌آیند بیشتر باهم آشنا هستند. برای ورود به این نوع کافه‌ها باید قبلاً هماهنگ کنی یا اینکه مشتری‌شان باشی. جلوی در این کافه‌ها معمولاً آیفون تصویری بزرگی نصب می‌شود که کاملاً به بیرون دید داشته باشد. اگر غریبه‌ای زنگ بزند در را باز نمی‌کنند.

■ از قهوه‌خانه‌های قدیمی تا کافه‌های زیرزمینی

دقیقاً معلوم نیست اولین بار کجا و در چه زمانی قهوه‌خانه در ایران باب شد و اولین قهوه‌خانه‌ها در ایران چگونه اداره می‌شدند اما از ظواهر امر این گونه برمی‌آید که قهوه‌خانه در ایران یک قدمت بسیار طولانی دارد و به عنوان یکی از مهم‌ترین اماکن تجمع مردم در شهرها و روستاها شناخته می‌شده است. در قهوه‌خانه‌های قدیم پذیرایی بیشتر با چای بود و البته قلیان‌های به اصطلاح خوانسار یا غذایی معمولی که بتواند گرسنگی مسافران و رهگذران را رفع کند. قهوه‌خانه در قدیم فقط محلی برای استراحت و صرف چای نبود بلکه یکی مکان اجتماعی مهم تلقی می‌شد که به‌واسطه حضور پهلوانان، ریش‌سفیدان و بزرگان هر شهر یا روستا گاه شاهد اتفاقات بسیار خوب نیز در این مکان بودیم.

از برگزاری مراسم گل‌ریزان و کمک به افراد کم‌بضاعت آبرومند گرفته تا آشنی دادن افراد با هم یا حتی تصمیم‌گیری برای انجام کارهای بزرگ در شهر یا روستا.

رفتن به قهوه‌خانه در آن زمان قیج به حساب نمی‌آمد و کسانی که به قهوه‌خانه می‌رفت گاه فردی موجه و صاحب شهرت اجتماعی بود که حضور او در قهوه‌خانه همراه با خیر و برکت بود.

در قهوه‌خانه‌های قدیم نه خبری از قلیان میوه‌ای بود و نه خبری از موسیقی‌های تند غربی این روزها و نه از قلیان با طعم‌های گوناگون و البته خطرناک برای سلامتی. این روزها قهوه‌خانه‌ها و کافه‌ها با آنچه در قدیم بود فرق بسیار کرده است.

برخی از کافه‌ها حالا کارشان به جایی رسیده که زیرزمینی اداره می‌شوند. حالا شما در نظر بگیرید در کافه‌ای که بدون دریافت مجوزهای لازم و ضروری و دور از چشم همه در مکانی خاص و با مشتری‌هایی خاص و دائمی اداره می‌شود چه اتفاقاتی ممکن است رخ دهد!

■ زیرزمینی‌ها کجا هستند؟

سوالی که پیش می‌آید این است که کافه‌های زیرزمینی دقیقاً کجا و چگونه شکل می‌گیرند و اصلاً اساس شکل‌گیری این کافه‌ها چیست؟

پیدا شده است. فرقی نمی‌کند با باین شهر باشد یا بالای شهر، تهران باشد یا حتی شهرستان‌ها الان دیگر تقریباً در خیلی از شهرهای بزرگ می‌توان کافه‌های زیرزمینی را دید البته ورود به آنها کمی مشکل است اما بالاخره می‌توانی پیداایش کنی. کافه‌هایی که به صورت زیرزمینی اداره می‌شوند و افراد با حضور در این کافه‌ها که گاه در پیلوت منزل

پیدا شده است. فرقی نمی‌کند با باین شهر باشد یا بالای شهر، تهران باشد یا حتی شهرستان‌ها الان دیگر تقریباً در خیلی از شهرهای بزرگ می‌توان کافه‌های زیرزمینی را دید البته ورود به آنها کمی مشکل است اما بالاخره می‌توانی پیداایش کنی. کافه‌هایی که به صورت زیرزمینی اداره می‌شوند و افراد با حضور در این کافه‌ها که گاه در پیلوت منزل

برای یافتن پاسخ این سؤال‌ها چاره‌ای نیست جز اینکه راهی یکی از این کافه‌های زیرزمینی شوم.

یکی از این کافه‌های زیرزمینی را سراغ دارم درست در حاشیه شهر. صاحبش را سال‌هاست که می‌شناسم حتی قبل از اینکه کافه داشته باشد.

برای همین خیلی راحت می‌روم سراغ «مهران» به پناهه دیدن او، کار سختی نیست. اینجا یک کافه در پایین شهر است. بوی تند تنباکوی میوه‌ای تا بیرون در می‌آید اما مهران همچنان با احتیاط رفتار می‌کند و در را به روی هر کسی باز نمی‌کند، هر چند خودش می‌گوید:

همین جا آخر این کوچه دو سه تا خانه هست که مواد می‌فروشند و خیلی راحت‌تر از او دارند کار می‌کنند. مهران می‌گوید: همه این کار را می‌دانند حتی چند بار هم طرف را دستگیر کرده‌اند و به اتهام توزیع مواد مدتی را در بند بوده اما وقتی آزاد شده دوباره فعالیتش را شروع کرده است.

همان طور که دارم به صحبت‌های مهران گوش می‌کنم با دقت به در دیوار کافه‌ای که او در زیرزمین خانه‌اش راه‌اندازی کرده است نگاه می‌کنم.

یک زیرزمین تقریباً ۷۰، ۸۰متری با شش پله به سمت زمین. بسوی نم با بوی تند تنباکوی میوه‌ای در هم پیچیده است. حداقل ۱۸، ۱۷ نفر را می‌بینم که برای مصرف قلیان به این کافه آمده‌اند. در بین‌شان دو سه تا دختر خانم جوان هم به چشم می‌خورد که با چند پسر جوان مشغول قلیان کشیدن هستند.

مهران از هر مشتری به طور میانگین ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان می‌گیرد و برایشان چای، قلیان میوه‌ای یا برخی تنقلات را سرو می‌کند. او البته قلیان ۸، ۷ هزار تومانی هم دارد یک قلیان معمولی با یک طعم، بدون چای و تنقلات و پذیرایی. خودش می‌گوید: بیشتر مشتری‌هایش همین قلیان معمولی ۸، ۷ هزار تومانی استفاده می‌کنند اما بعضی‌ها هم هستند که سرویس کامل سفارش می‌دهند.

دو سه تا شاگرد زیر و زنگ هم دارد که در این ساعت اوج کارشان است. مهران می‌گوید: از این ساعت به بعد یعنی نزدیکی‌های غروب دیگر کم‌کم کار و بار ما شروع می‌شود. بیشتر افراد وقتی خسته‌ا از سر کار برمی‌گردند ترجیح می‌دهند قبل از رفتن به منزل ابتدا

کافه‌های زیرزمینی یا همان کافه‌های خانگی، مکان‌هایی هستند که در آن همه روزه تعدادی از نوجوانان و جوانان اعم از دختر و پسر دور هم جمع می‌شوند و به قول خودشان چند دقیقه‌ای را خوش می‌گذرانند بدون اینکه نه امکان مزاحم آنها بشود و نه اتحادیه و نه هیچ مکان دیگری. قلیان هم هر مدلش را بخواهند موجود است هر قلیانی با هر طعمی، قیمتش هم با کافه‌های بیرون خیلی تفاوتی ندارد تازه اینجا بیشتر مشتری‌ها باهم آشنايند.

پیدا شده است. فرقی نمی‌کند با باین شهر باشد یا بالای شهر، تهران باشد یا حتی شهرستان‌ها الان دیگر تقریباً در خیلی از شهرهای بزرگ می‌توان کافه‌های زیرزمینی را دید البته ورود به آنها کمی مشکل است اما بالاخره می‌توانی پیداایش کنی. کافه‌هایی که به صورت زیرزمینی اداره می‌شوند و افراد با حضور در این کافه‌ها که گاه در پیلوت منزل

پیدا شده است. فرقی نمی‌کند با باین شهر باشد یا بالای شهر، تهران باشد یا حتی شهرستان‌ها الان دیگر تقریباً در خیلی از شهرهای بزرگ می‌توان کافه‌های زیرزمینی را دید البته ورود به آنها کمی مشکل است اما بالاخره می‌توانی پیداایش کنی. کافه‌هایی که به صورت زیرزمینی اداره می‌شوند و افراد با حضور در این کافه‌ها که گاه در پیلوت منزل

اگر با صاحبانشان صحبت کنی حسایی دلخور می‌شوند اگر از واژه زیرزمینی استفاده کنی. آن‌ها اسمش را گذاشته‌اند کافه‌های خانگی و برای این کار جدیدشان حتی تبلیغات هم می‌کنند، اما فقط برای مشتریان خاص خودشان و باز در این میان بهترین راه تبلیغات این کافه‌ها همین شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های گوناگون فضای مجازی است.

با مصرف قلیان به قول خودشان خستگی در کنند و بعد به منزل بروند.

اینجا البته گاه قیمت‌ها بالاتر هم می‌رود و این بستگی به نوع سفارش قلیان دارد. مهران سرویس قلیان دو نفره و سه نفره هم دارد که این کچک‌ها قیمتش خیلی بالاتر است.

از او درباره کارش می‌پرسم و اینکه چرا کافه خانگی زده و چرا برای دریافت مجوز رسمی اقدام نمی‌کند، که می‌گوید: مگر عظم را از دست داده‌ام که بروم مجوز بگیرم. مجوز بگیرم که چی؟ دم به دقیقه‌هی به من گیر بدهند که فلان کار را بکنی و یا فلان کار را نکن.

اولش که باید کلی پول اجاره و رهن بدهم بعدش هم هر روز باز اتحادیه می‌آیند یا از اماکن یا از جاهای دیگر می‌روند. همیشه هم گیر می‌دهند.

از او می‌پرسم در این مدتی که در زیرزمین خانه‌ات کافه راه‌اندازی کرده‌ای از هیچ‌جا پسرایی تعطیلی آن نیامده‌اند؟ خیلی خونسرد می‌گویی: تا حالا که نیامده‌اند.

■ کافه زیرزمینی بالاشهر

به گفته یکی از دوستان یک کافه زیرزمینی در بالای شهر هست با منوی رنگ و وارنگش و البته قیمت‌های خیره‌کننده. اینجا قلیان کمتر از ۳۰ هزار تومان نیست. همان قلیان معمولی که مهران در پایین شهر ۸، ۷ هزار تومان می‌دهد در این کافه حداقل باید ۳۰ هزار تومان

مهران از هر مشتری به طور میانگین ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان می‌گیرد و برایشان چای، قلیان میوه‌ای یا برخی تنقلات را سرو می‌کند. او البته قلیان ۸، ۷ هزار تومانی هم دارد یک قلیان معمولی با یک طعم، بدون چای و تنقلات و پذیرایی. خودش می‌گوید: بیشتر مشتری‌هایش همین قلیان معمولی ۸، ۷ هزار تومانی استفاده می‌کنند اما بعضی‌ها هم هستند که سرویس کامل سفارش می‌دهند.

دو سه تا شاگرد زیر و زنگ هم دارد که در این ساعت اوج کارشان است. مهران می‌گوید: از این ساعت به بعد یعنی نزدیکی‌های غروب دیگر کم‌کم کار و بار ما شروع می‌شود. بیشتر افراد وقتی خسته‌ا از سر کار برمی‌گردند ترجیح می‌دهند قبل از رفتن به منزل ابتدا

کافه‌های زیرزمینی یا همان کافه‌های خانگی، مکان‌هایی هستند که در آن همه روزه تعدادی از نوجوانان و جوانان اعم از دختر و پسر دور هم جمع می‌شوند و به قول خودشان چند دقیقه‌ای را خوش می‌گذرانند بدون اینکه نه امکان مزاحم آنها بشود و نه اتحادیه و نه هیچ مکان دیگری. قلیان هم هر مدلش را بخواهند موجود است هر قلیانی با هر طعمی، قیمتش هم با کافه‌های بیرون خیلی تفاوتی ندارد تازه اینجا بیشتر مشتری‌ها باهم آشنايند.

پیدا شده است. فرقی نمی‌کند با باین شهر باشد یا بالای شهر، تهران باشد یا حتی شهرستان‌ها الان دیگر تقریباً در خیلی از شهرهای بزرگ می‌توان کافه‌های زیرزمینی را دید البته ورود به آنها کمی مشکل است اما بالاخره می‌توانی پیداایش کنی. کافه‌هایی که به صورت زیرزمینی اداره می‌شوند و افراد با حضور در این کافه‌ها که گاه در پیلوت منزل

پیدا شده است. فرقی نمی‌کند با باین شهر باشد یا بالای شهر، تهران باشد یا حتی شهرستان‌ها الان دیگر تقریباً در خیلی از شهرهای بزرگ می‌توان کافه‌های زیرزمینی را دید البته ورود به آنها کمی مشکل است اما بالاخره می‌توانی پیداایش کنی. کافه‌هایی که به صورت زیرزمینی اداره می‌شوند و افراد با حضور در این کافه‌ها که گاه در پیلوت منزل

پیدا شده است. فرقی نمی‌کند با باین شهر باشد یا بالای شهر، تهران باشد یا حتی شهرستان‌ها الان دیگر تقریباً در خیلی از شهرهای بزرگ می‌توان کافه‌های زیرزمینی را دید البته ورود به آنها کمی مشکل است اما بالاخره می‌توانی پیداایش کنی. کافه‌هایی که به صورت زیرزمینی اداره می‌شوند و افراد با حضور در این کافه‌ها که گاه در پیلوت منزل

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مبارزه و پیشگیری از اعتیاد

## دیو افیون فقط با مشارکت مردمی شکست می‌خورد

■ سیدمصطفی رنجبر\*

یکی از آسیب‌های اجتماعی که امروزه تبدیل به مسئله‌ای اجتماعی شده، اعتیاد است. اعتیاد به مواد مخدر و بدتر از آن کاهش سن اعتیاد و حتی اعتیاد زنان در کشور معضلی اجتماعی است که نه تنها خود از سایر آسیب‌های اجتماعی و مشکلات ساختاری تأثیر می‌پذیرد بلکه در بروز سایر معضلات اجتماعی مانند طلاق، افزایش سرقت، خودکشی، فحشا و... نیز مؤثر است. از سویی مقابله جدی با این آسیب بزرگ بدون مشارکت مردمی شدنی نیست.

■ اعتیاد، فراتر از آمارهای رسمی

هر چند سال‌هاست آمار رسمی معنادان به مواد مخدر زیر ۲ میلیون نفر اعلام می‌شود اما به نظر می‌رسد میزان واقعی معنادان در کشور بیش از این رقم باشد چون عمده این تعداد معنادانی هستند که در مراکز ترک اعتیاد و درمان معنادان ثبت نام کرده‌اند اما بقیه معنادانی که هنوز در این مراکز ثبت نام نکردند را شامل نمی‌شود.

در استانی که اعتیاد به همراه طلاق، بیکاری جوانان، فقر و محرومیت و خشونت چهره‌ای از روند رو به گسترش این آسیب‌ها را نشان می‌دهد، اگر خود را شهروند می‌دانیم، یا به نوعی عمیق‌تر اگر خود را انسان می‌دانیم در قبال این آسیب‌های اجتماعی لازم است که احساس مسئولیت کنیم چراکه لازم‌ه کاهش آسیب‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد حس

مسئولیت‌پذیری اجتماعی است.

■ دولت به تنهایی نمی‌تواند

وضعیت کنونی کشور به لحاظ نرخ روزافزون آسیب‌های اجتماعی نشان می‌دهد که بازگر اصلی یعنی دولت به تنهایی قادر نیست

در حوزه مبارزه با پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد موفق باشد و لازم است که بازگیران مهم دیگری به نام مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) در امر مبارزه با اعتیاد و پیشگیری از آن مشارکت داشته باشند.

به راستی سازمان‌های مردم‌نهاد با توجه به شرایط فعلی ساختار اجتماعی - اقتصادی چقدر می‌توانند در امر مبارزه با مواد مخدر موفق شوند؟ همچنین چه راهکار‌های مهم و اساسی در این زمینه‌ها می‌توان پیشنهاد داد؟



مواد مخدر باید کار پیش برود. مشارکت دادن خود نسل جوان و پیوند دادن نسل جدید در جامعه در گام سوم می‌تواند اولاً از بیگانگی اجتماعی نسل جوان جلوگیری کند

و هم به نوعی عاملی برای تقویت و بازسازی سرمایه اجتماعی در جامعه ایران باشد تا نسل جدیدی که در آینده وارد جامعه می‌شود از طریق پیوند اجتماعی، احساس مسئولیت اجتماعی نسل جوان را در قبال خانواده و جامعه خود بیفزاید.

یکی دیگر از حوزه‌های پیشگیری اجتماعی که در زمینه مبارزه با اعتیاد می‌تواند صورت گیرد توانمندسازی نسل جدید از طریق مشارکت دادن آنان در قالب سمن‌هاست چراکه از منظر جامعه‌شناسی، مسائل اجتماعی از جمله اعتیاد جوانان، ناشی از ضعیف بودن امکانات مادی و معنوی آنان برای مشارکت اجتماعی است.

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه پیشگیری، از منظر جامعه‌شناختی رویکرد ساختی - کارکردی به ما می‌گوید که اگر سنن اعتیاد به مواد مخدر در جامعه کاهش یافته این مسئله مبین چه وضعیتی است؟ سازمان‌های مردم‌نهاد کم‌تر در این امر پیشگیری وارد شده‌اند اما در حوزه درمان نیز این سازمان‌ها از طریق مشارکت دادن شهروندان و انجمن‌های خیریه در امر درمان می‌توانند کنسی که گرفتار اعتیاد شده است را به جامعه برگردانند.

در خاتمه باید گفت شرایط موجود چرخه اطلاعات در کشور به گونه‌ای است که برای

یک پژوهش ساده و اطلاع از آمار و ارقام مربوطه سازمان‌های قضایی و انتظامی طفره می‌روند. بنابراین در این شرایط مهم نه تنها دولت و ستاد مبارزه با مواد مخدر بلکه سازمان‌های مردم‌نهاد نیز در مبارزه با مواد مخدر نمی‌توانند از برخورد مقطعی با آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد فراتر روند.

\*کارشناس ارشد جامعه‌شناسی



یکی از کارکردهای اساسی سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه در گام اول، کارکرد آگاهی‌بخشی مردم‌نهاد در فضای واقعی جامعه در ارتباط با سایر نظام‌های فرهنگی از جمله نهادهای آموزشی که نقش جامعه‌پذیری نسل جدید را دارند به خوبی تعریف و پیش‌بینی شود

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه پیشگیری، از منظر جامعه‌شناختی رویکرد ساختی - کارکردی به ما می‌گوید که اگر سنن اعتیاد به مواد مخدر در جامعه کاهش یافته این مسئله مبین چه وضعیتی است؟ سازمان‌های مردم‌نهاد کم‌تر در این امر پیشگیری وارد شده‌اند اما در حوزه درمان نیز این سازمان‌ها از طریق مشارکت دادن شهروندان و انجمن‌های خیریه در امر درمان می‌توانند کنسی که گرفتار اعتیاد شده است را به جامعه برگردانند.

در خاتمه باید گفت شرایط موجود چرخه اطلاعات در کشور به گونه‌ای است که برای

یک پژوهش ساده و اطلاع از آمار و ارقام مربوطه سازمان‌های قضایی و انتظامی طفره می‌روند. بنابراین در این شرایط مهم نه تنها دولت و ستاد مبارزه با مواد مخدر بلکه سازمان‌های مردم‌نهاد نیز در مبارزه با مواد مخدر نمی‌توانند از برخورد مقطعی با آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد فراتر روند.

\*کارشناس ارشد جامعه‌شناسی